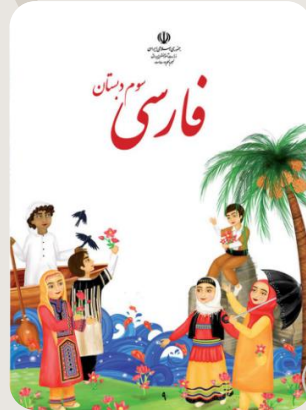
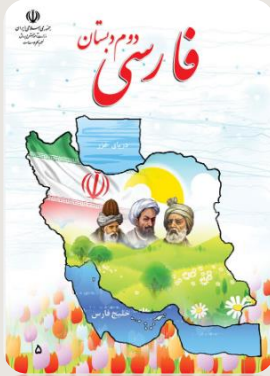


به نام خدای زیبایی ها

www.mamplus.com

«مروری بر نکات مهم فارسی»

مناسب برای پایه ششم



آموزگار : علی عطائی ملاطی

مترادف: کلمه هایی که از نظر «معنی» و «مفهوم»، یکسان باشند.

مانند: خوبی و نیکی-تلاش و کوشش و...



متضاد: کلمه هایی که از نظر معنی و مفهوم، یکسان نیستند و مخالف یکدیگرند.

مانند: سبک و سنگین-بالا و پایین

جمع: اگر کلمه ای با نشانه های «ها»، «ان»، «ات»، ترکیب شود، یک کلمه ی جمع به وجود می آید.

ضمیر

واژه ای که به جای اسم قرار می گیرد و از تکرار آن جلوگیری می کند.

مثال : حسین را دیدم و کتاب را شبه او دادم.

انواع ضمیر:

۱- جدا(منفصل): ضمیری است که تنها به کار می رود و معنی مستقل دارد

مانند : من-تو-او-ما-شما-ایشان-آنها یا آنان

۲- پیوسته (متصل): ضمیری است که به کلمه ی دیگر می پیوندد و معنی مستقل ندارد.

مانند : مَم، تَت، شَش، مِمَن، تَتان، ششان.

این ضمیر معمولاً به اسم و گاه به فعل و حرف می پیوندد.

نکته : گاهی اوقات برای احترام

گذاشتن به شخصی از ضمیر

جمع(متصل)

استفاده می کنیم.

مانند : کتابتان را روی میز

گذاشتم.

پیشوند و پسوند

این دو به تنهایی معنای کاملی ندارند و هر گاه با کلمه ی معنا داری ترکیب شوند به آن کلمه معنای جدیدی می دهند.

انواع پسوند:

گر: رفتگر-آهنگر-جادوگر و...
زار: گلزار-چمنزار-کشتزار و...
شان: گلستان-بیمارستان-هنرستان و...
بان: نگهبان-باغبان-شتربان و...
گین: خشمگین-غمگین-اندوهگین و...
مند: هنرمند-ثروتمند-دردمند و...
سار: گلزار-کوهسار-شاخسار و...

انواع پیشوند:

انه: صبحانه-کودکانه و...
گار: آفریدگار-آموزگار و...
ه: لبه-دسته و...
دان: نمکدان-شمعدان
با: با ادب-با سواد
بی: بی سواد-بی ادب
نا: نادرست-نا امید
هم: همدل-همکار

علائم نگارشی



برای این که یک متن را بهتر بخوانیم از این علائم استفاده می کنیم:

نقطه (.) = در پایان جملات استفاده می شود.

علامت سؤال (?) = در پایان جملات پرسشی استفاده می شود.

ویرگول (,) = برای مکث کوتاه (در هنگام خواندن) استفاده می شود.

گیومه (") = برای این که سخن شخص دیگری را در متن خود بیاورید، استفاده می شود.

دو نقطه (:) = بعد از نقل قول و شرح سخن کسی (جملاتی مانند گفت، پرسید و...) استفاده می شود.

علامت تعجب (!) = بعد از جملاتی که باعث شگفتی و تعجب شوند.

نقطه ویرگول (;) = برای مکث طولانی تر (در هنگام خواندن) استفاده می شود.

کلمات هم نویسه (مشابه)

برخی کلمات از نظر شکل یکسان اند اما در معنی و تلفظ با هم فرق دارند.

مانند:

(گُل ، گِل) - (گشتی ، گشتی) - (مَشک ، مُشک) - (نَشسته ، نَشسته) - (می گند ، می گند) - (می برد ، می بُرد) - (مَلک ، مَلک ، مَلک ، مَلک) - (کشت ، کشت) - (شکر ، شکر) - (سَم ، سَم) - (سحر ، سحر) - (تَنگ ، تَنگ) - (کَرَم ، کَرَم ، کَرَم) - (چشم ، چشم) و ...





یک شعر باید دارای ۳ ویژگی باشد تا بتوان آن را شعر دانست:

۱- داشتن عواطف

۲- بیان احساسات

۳- داشتن آهنگ



متن علمی و ادبی



متن علمی: متنی که اطلاعاتی به ما بدهد و دانش ما را زیاد کند.



متن ادبی: متنی است داستانی و ادبیات ما را قوی می کند.



جمله

هنگامی که افراد صحبت می کنند، در حقیقت مطلبی را به شنونده انتقال می دهند.
گوینده برای انتقال گفته هایش از «جمله» استفاده می کند.

مانند: رفت-کرد-است-شد-آمد-نشست.

*احمد دانش آموز خوبی است.

*من دیروز به مسجد رفتم.

جزء اصلی جمله فعل است. زیرا:

-بدون فعل، جمله کامل نیست.

فعل چیست؟

-نشان دهنده ی انجام کاری(در گذشته-

حال-آینده) است.

-معمولا در آخر جمله می آید.

-در شعر ها شاید جایش تغییر کند.

فعل در شعر

نکته ۱: همانطور که گفتیم، در شعر اجزای جمله جا به جا می شوند و ممکن است در بعضی اشعار فعل اول جمله قرار بگیرد.

نکته ۲: ممکن است در بعضی جملات و اشعار، فعل حذف شده باشد، در این صورت با معنی کردن شعر می توان فعل حذف شده را پیدا کرد.

عالم بی عمل درخت بی بر (است) و زاهد بی عمل به مانند خانه ی بی در (است)

« ۲ فعل است در جمله بالا حذف شده است.»

انواع جمله

-جمله خبری: که در آن خبری می دهیم و در پایان آن ، نقطه قرار دارد.

-جمله پرسشی: که در آن در مورد چیزی یا کسی سوالی پرسیده می شود و در پایان آن علامت سؤال

قرار دارد.

-جمله عاطفی: بیان احساسات مانند تعجب را در بر می گیرد و در پایان علامت تعجب قرار دارد.

فاعل – مفعول

فاعل: به کسی که کاری را انجام می دهد، فاعل می گویند.

مفعول: به کسی یا چیزی که کاری روی آن انجام می گیرد.

مثال: **علی (فاعل)** ، **شیشه (مفعول)** را شکست.

یکی از راه های شناخت مفعول این است که بعد از آن کلمه ی «را» می آید.

عناصر داستان

الف-شخصیت داستان:

-اصلی:قصة پیرامون محور آن ها می چرخد.

-فرعی:به قصة وارد می شوند و از آن خارج می شوند و در روند قصة تاثیر می گذارند.

ب-مکان

ج-زمان

د-اتفاق های داستان

ه-نتیجه و پایان



ترکیب وصفی و اضافی

+ترکیب وصفی : هر گاه یک اسم با یک صفت همراه شود ترکیب وصفی به وجود می آید.

مردِ بزرگ - کشورِ پهناور - دانش آموزِ کوشا

+ترکیب اضافی : هر گاه دو اسم با یکدیگر همراه شوند، ترکیب اضافی به وجود می آید.

(مضاف و مضاف الیه)

گلِ یاس - کتابِ من - کفشِ ستاره

چگونه ترکیب وصفی رو از اضافی تشخیص بدیم؟

۱- بین موصوف و صفت می توانیم «ی» قرار دهیم، مانند: گل زیبا <<< گلی زیبا
اما بین مضاف و مضاف الیه نمی توانیم «ی» بیاوریم. کفش ستاره <<< کفشی ستاره

۲- بین مضاف و مضاف الیه می توان ، این و آن قرار داد، مانند : صاحب مغازه <<< صاحب این مغازه
اما در موصوف و صفت نمی توانیم این و آن قرار دهیم. مانند: گل زیبا <<< گل این زیبا

چگونه ترکیب وصفی رو از اضافی تشخیص بدیم؟

۳- اگر کسره (-) صفت و موصوف را برداریم، و بجای آن ویرگول بگذاریم، و در آخر آن است قرار دهیم جمله ی معنا داری ساخته می شود. موصوف صفت است.
مادرِ مهربان <<< مادر ، مهربان است.

۴- اگر به صفت «تر» اضافه کنیم، کلمه ای جدید ساخته می شود که معنا دار است.
مانند : کوهِ بلند <<< کوهِ بلندتر

اما در مضاف مضاف الیه اینگونه نیست. مانند درِ کلاس <<< در کلاس تر

لحن و آهنگ

اگر بخواهیم متن کتاب، متن تسلیت، متن تبریک و... را برای کسی بخوانیم، باید بدانیم که این ها با همدیگر تفاوت دارند:

✓ **لحن ستایشی:** مربوط به شعر هایی که در مورد ستایش خداوند است.

✓ **لحن حماسی:** مربوط به وصف دلاوری ها و پهلوانی ها استش، مانند شاهنامه

✓ **لحن خاطره:** داستان یا اتفاقی را که در خاطرات نویسنده باقی مانده و برایش اهمیت دارد.

✓ **لحن تعلیمی:** برای انتقال نکات مهم و آموزنده به مخاطب بکار گرفته می شود.

زبان ۴ اصل دارد:

✓ ۱- گوش دادن

✓ ۲- سخن پفتن

✓ ۳- خواندن

✓ ۴- نوشتن

از طریق گوش دادن و خواندن، منظور دیگران را می فهمیم.
از طریق سخن گفتن و نوشتن، منظور و خواسته خودمان را به دیگران القا می کنیم.

قافیه و ردیف

در هر شعر بکار می رود.

قافیه قسمت تکرار شونده از کلمه هایی است که در شعر تکرار می شوند.

قافیه ها در آهنگ و حرف آخر یکی هستند.

ردیف: به کلماتی که دقیقا مانند هم باشند و بعد از قافیه بیاید، ردیف می گویند.

قافیه : دانا-برنا

ردیف: بود

ز دانش دل پیر بُرنا بُود

توانا بُود هر که دانا بُود

متمم

یک گروه اسمی است که برای تکمیل کردن یک جمله، بعد از حرف اضافه (از، به، برای، بار، بدون، بر و...) می آید.

مثال: علی کتابش را به حسین بخشید

فعل

فاعل مفعول



